

مرگ مادر و کودک در تصادف

یادداشت

محمد غمخور؛ دبیر گروه حوادث

خبرنگاران، بازوی رسانه‌ای پلیس



سال‌هاست عادت کرده‌ایم در این صفحه از عملیات‌های پلیس برای افزایش احساس امنیت در جامعه بنویسیم، از دستگیری دزدانی که به مال و جان شهروندان دست درازی کرده و انتشار فیلم سرقت‌های‌شان در شبکه‌های اجتماعی احساس امنیت را هدف گرفته بود. از زمینگیری اراذل و اوباشی که با عبیده‌کشی‌های خود تودل مردم را خالی کرده و به جای آن وحشت و ترس ریخته بودند. سال‌ها سعی کردیم برای آرامش شهروندان هم که شده، کنار پلیس باشیم؛ البته اگر تخلف با کم‌کاری هم دیدیم با نقد منصفانه به آن پرداختیم. در این سال‌ها از فداکاری‌های مأمورانی گفتیم که برای نجات جان هموطنان به دل‌آتش و آب‌زدند و گاهی در این مسیر از جان خود گذشتند. سال‌ها از شهدای امنیت گفتیم که در مرزهای امن‌گام مقابل‌ه با اشرار و تروریست‌ها جان خود را فدای امنیت و آرامش هموطنان کردند گفتیم و مردم هم شنیدند و باور کردند. در سال‌های اخیر هم همسو با تغییر ذائقه رسانه‌ای برخی مخاطبان، هم اینچائوشتیم و هم در شبکه‌های اجتماعی گفتیم امام‌دینی است دیگر نمی‌گوییم. نه این‌که نخواهیم بگوییم اما مرکز اطلاع‌رسانی فرآجا در دوره جدید کاری کرده که حرفی برای گفتن نباشد. راه‌اندازی خبرگزاری پلیس برای پوشش کشفیات، کاری قابل تقدیر است اما نباید تصور کرد حالا که پلیس خبرگزاری دارد، نیازی به رسانه‌های دیگر ندارد. خبرنگاران حوزه انتظامی سال‌هاست عادت به خبرنگاری در این حوزه دارند؛ چه در سرما چه در گرما. پس این انتظار را نداشته باشید که حالا بعد از این سال‌ها به جای خبرنگاری در این حوزه، فقط منتشرکننده خبرهای خبرگزاری شما و تنها رسانه مورد علاقه‌تان باشیم. کافی است سطح پوشش دستگیری دو متجاوز در تهران را با دستگیری اخیر اراذل و اوباش تهران مقایسه کنید. دو خبری که باعث شده همه آگاه شده و بیشتر مراقب باشند در دام این مجرمان شیطان صفت گرفتار نشوند. اما در مقابل با پایکوت خبرنگاران در مجاری دستگیری اراذل و اوباش اخیر و دستگیری عاملان قتل دانشجوی دانشگاه تهران، تلاش مأموران بازخوردی در رسانه‌های رسمی نداشت. دعوت نکردن رسانه‌ها به برنامه‌های پلیس، فقط محروم کردن خود از بازوی رسانه‌ای است. پس اجازه دهید خبرنگاران حوزه انتظامی خبرنگاری کنند و در پوشش اخبار فقط تک‌صدایی نباشد. مانند آنچه سال‌هاست در تهران بزرگ رخ داده و خبرنگاران در تمام طرح‌ها در کنار پلیس بوده‌اند و تلاش رسانه‌ها باعث همراهی مردم با اقدامات پلیس و حمایت از آن شده است.

برخورد سه دستگاه خودروی سمند، نیسان و پژو در محور منوچان رودان، باعث مرگ مادر جوان و فرزند ۱۰ ساله‌اش شد. به گزارش خبرنگاری صداوسیما ی مرکز کرمان، دیروز این سانحه رانندگی در محور منوچان رودان، رخ داد هم‌زمان با حضور نیروهای امدادی در محل معلوم شد یک زن جوان و فرزند ۱۰ ساله او به دلیل شدت صدمات وارده فوت کردند. این در حالی بود که چند نفر از سرنشینان سه خودروی فوق مصدوم شده بودند که به بیمارستان امام حسین (ع) منوچان منتقل و بستری شدند.



اینا حسین زاده
گروه حوادث

طلبه ۴۸ ساله گرفتند تا با بخشش اعضای بدن او؛ فرصت زندگی دوباره به بیمارانی دهند که هر لحظه ممکن است جان خود را به دلیل کارکرد نادرست عضو بدن‌شان از دست بدهند. تصمیمی که گرچه برای آنها سخت بود، اما می‌گویند با این کار هم خیر دنیا را برایش خریدند و هم خیر آخرت را. از دست دادن همسر و پدر یکی از دشوارترین لحظاتی است که همسر یا فرزند می‌توانند تجربه کنند. تجربه‌ای که برای خانواده کیانی نسب هم بسیار سخت بود، اما وقتی به این نتیجه رسیدند که اهدای عضو او می‌تواند زندگی ده‌ها بیمار را نجات دهد، با روحی بخشنده یکی از سخت‌ترین تصمیم‌های زندگی‌شان را گرفتند و برگه اهدای عضو پدر را امضا کردند. اما چه اتفاقی برای پدر افتاد که منجر به این تصمیم شد.

سیده عالمه سادات اخوی، همسر این روحانی در مورد موضوعی که باعث شد تا تصمیم به اهدای عضو بگیرد به جام جم گفت: «شوهرم مدتی بود که سردرد داشت. می‌گفت انگار به سرم برق وصل می‌کنند. پس از مراجعه به مرکز درمانی پزشک به او گفت ممکن است منشا این سردرد به دلیل مطالعه باشد و برای همین برای چشم‌های شوهرم قطره اشک مصنوعی و دارو تجویز کرد. پس از مصرف داروها حالش بهتر شده بود، اما مدتی بعد و در اردیبهشت سردردهایش دوباره شروع شد و یک شب ساعت ۸ حالش خیلی بد شد. همان‌طور که داشت صحبت می‌کرد، یک‌دفعه از حال رفت و افتاد زمین. اورژانس آمد و پس از انجام برخی اقدامات درمانی او را به بیمارستان منتقل کردند. در بیمارستان و در اتاق احیا گفتند همسر سکنه مغزی کرده و باید یک سری آزمایش روی او انجام شود. پس از انجام سی‌تی‌اسکن گفتند خونریزی وسیع مغزی کرده و آمیدی به بازگشت همسر نیست. حتی سطح



هوشیاری‌اش هم به عدد ۳ رسیده بود. دیگر چیزی به ما نگفتند و کادر درمان هم روی همسر متمرکز شده بودند. پس از مدتی کادر درمان ابتدا پیشنهاد جراحی دادند. ما تصور می‌کردیم یک لخته خون در مغز همسر است و با جراحی رفع می‌شود. گفتیم اگر با انجام جراحی حتی یک درصد هم شانس برگشت به زندگی دارد، همه زندگی‌مان را می‌دهیم تا بهبود پیدا کند، اما پزشکان گفتند وسعت خونریزی مغزی بسیار بزرگ است و لخته نیست.» او ادامه داد: «با شنیدن این حرف گفتیم اگر یک درصد امید به بازگشت همسر داشتیم، جراحی را انجام می‌دادیم اما شما می‌گویید یک هزارم درصد نیز هیچ آمیدی به بازگشت وجود ندارد. در نهایت نپذیرفتیم جراحی انجام شود. صبح روز بعد دوباره از او آزمایش گرفتند و دستگاه‌های پزشکی را به دلایل پزشکی از او جدا کردند. با جدا شدن دستگاه‌ها، همسر مدت کوتاهی را در همان شرایط تحمل کرد، اما سه دقیقه بعد تمام علائم حیاتی‌اش مثل ضربان قلب در حال

بیشتری کند. با تکمیل تحقیقات دیروز متهم برای دومین بار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کردند و گفتند حاضر به بخشش قاتل پسرشان نیستند. سپس متهم در جایگاه ایستاد و مدعی شد؛ اول امیر به من حمله کرد. من سوار موتور بودم و مسیرم بسته بود. او با قمه ضربه‌ای به من زد و برای دفاع از خودم سمش چاقو پرت کردم اما ضربه‌ای به او ن‌زد. سپس دختر جوانی که شاهد درگیری بود، در دادگاه حاضر شد و گفت: شب حادثه با امیر و چند نفر دیگر بیرون بودیم. یکی از دوستان امیر با او تماس گرفت و مدعی شد در پارک دعوا کرده است. او از امیر خواست به خانه آنها رفته، قمه‌اش را بگیرد و به محل دعوا بیاورد. امیر و میثم در آن محل کل‌کل کردند. امیر قمه و میثم تیزی داشتند. دعوای‌شان شد و امیر به سمت کوچه رفت و روی زمین افتاد. از گردنش خون می‌آمد.

🔴 رئیس دادگاه: اولین ضربه را چه کسی زد؟
شاهد ماجرا: امیر با قمه به متهم زد. بعد هم بچه‌ها گفتند متهم امیر را زد. من لحظه ضربه زدن متهم را ندیدم.
🔴 رئیس دادگاه: انگیزه دعوا چه بود؟
شاهد ماجرا: آن‌طور که من فهمیدم دوست امیر و متهم سربک دختر درگیر شدند. آن دختر در زمان درگیری در همان محل بود.
درگیری در پایان وکیل متهم در آخرین دفاع گفت: موکل اتهام قتل عمدی را قبول ندارد. اظهارات شاهد هم با واقعیت همخوانی ندارد. موکل روز حادثه تولدش بود و برای خرید تولدش از خانه بیرون رفته بود. او در تمام مراحل، ضربه زدن به مقتول را انکار کرده و اگر ضربه‌ای هم زده، برای دفاع مشروع زده است.
پس از این دفاعیات قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

مرگ مشکوک دانشجوی دکتری در ملاقات با دوستش

پسر دانشجوی دکتری به طور مشکوکی فوت کرد و دوست‌او به‌عنوان تنها مظنون در مرگش تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. به گزارش خبرنگار جام‌جم، دیروز مردی میانسال با حضور در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی به دلیل مرگ مشکوک پسر جوانش از دوست او در این رابطه شکایت کرد. این مرد در توضیح شکایت خود گفت: من و خانواده‌ام در شهرستان زندگی می‌کنیم. پسرم برای دوره دکتری دامپزشکی قبول شد و برای ادامه تحصیل به تهران آمد. با ما تلفنی در ارتباط بود و همسر هم چند بار برای دیدار او به تهران آمده بود. پسرم شاد و سلامت بود و درس‌خوان و زبان‌د استادان و اعضای خانواده وفامیل. چند روزی از او خبری نداشتم تا این‌که از طرف بیمارستانی در تهران به ما تلفنی اطلاع دادند او حالش بد شده و بستری است. خودمان را به بیمارستان رساندیم، مسئولان آنجا گفتند او دچار مسمومیت دارویی با قرص شده است. تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند و او فوت کرد. پزشکان به ما گفتند که مردی جوان او را از خانه به بیمارستان رسانده و بعد دیگر خبری از او ندارند. مرگ ناگهانی پسرم شوک بزرگی برای من و خانواده‌ام بود. وقتی مشخصات آن فرد و خانه‌ای که پسرم را بد حال در آنجا یافته بودند

جان باخته بود. شاهدان درگیری در جریان تحقیقات گفتند: مقتول به نام امیر، ساعتی قبل با میثم درگیر شد و با قمه‌ای که در دست داشت، ضربه‌ای به او زد. میثم هم با چاقویی که همراه داشت به‌گردن امیر زد. امیر به آن‌سوی خیابان رفت و روی زمین افتاد. وقتی خودمان را به او رساندیم، گردنش بریده بود و خونریزی شدید داشت. جسد مقتول به پزشکی قانونی منتقل و ضارب هم خیلی زود شناسایی و دستگیر شد. با تکمیل تحقیقات چندی قبل متهم در شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. در ابتدای این جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. متهم هم مدعی شد ضربه‌ای به امیر نزده و اگر ضربه چاقوی او به مقتول اصابت کرده، در دفاع از خودش بوده است. قضات در پایان میثم را به قصاص محکوم کردند که این حکم در دیوان عالی کشور نقص شد تا دادگاه از شاهدان ماجرا تحقیق



پسر جوان که در روز تولدش مرتکب قتل شده بود، پس از نقص حکم قصاصش برای دومین بار محاکمه شد. متهم در دادگاه ادعا کرد ضربه‌ای به مقتول نزده و اگر ضربه زده، در دفاع از خود بوده است.

سرقت دلاری مامور قلابی از گردشگران

مامور قلابی که در مراکز گردشگری دست به سرقت می‌زد، بعد از دستگیری فهمید به ایدز مبتلا شده است. به گزارش خبرنگار جام‌جم، از اوایل اسفند سال گذشته شکایت‌هایی در دستور کار پلیس تهران قرار گرفت مبنی بر این‌که مردی مامورنما از آنها سرقت کرده است. ماموران با تحقیق از شاکیان پی بردند وقتی آنها برای عکس گرفتن کنار برج آزادی یا دیگر مراکز تفریحی رفته بودند، ابتدا مردی اطراف‌شان شروع به عکاسی کرده، بعد به آنها نزدیک شده و با معرفی خود به عنوان مامور مخفی، ادعا کرده گزارش‌هایی دریافت کرده که نشان می‌دهد آنها مرتکب خلاف شده‌اند. آن مرد با این ترفند شاکیان را بازرسی بدنی کرده و بعد پول و گوشی‌های‌شان را سرقت کرده بود. پلیس به دنبال متهم فراری بود که معلوم شد مامور قلابی است تا این‌که دو روز پیش سه جهانگرد جوان در میدان آزادی تهران نزد پلیس رفتند و گفتند مردی که پلیس بوده و سلاح داشته، به ظن این‌که خلافکار هستند، آنها را تهدید به قتل کرده و ۲۰۰ دلار و سه گوشی آیفون آنها که هر کدام ۲۰۰ میلیون تومان ارزش داشته را سرقت کرده است. ماموران ضمن بررسی اطراف محل سرقت، ساعاتی بعد سارق را هنگام سرقتی دیگر دستگیر کردند. از متهم یک بی‌سیم کشف شد و در چند قدمی‌اش سلاح کلت اسباب‌بازی شکسته



متهم تحقیقات از او ادامه دارد.

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر فرآجا از کشف بیش از ۹ تن انواع مواد مخدر و انهدام ۶۵ باند تهیه و توزیع مواد مخدر خبر داد. به گزارش ایسنا، سردار ایرج کاکاوند با اشاره به ضرورت پاکسازی چهره شهرها از لوٹ معاندان متجاهر و خرده‌فروشان مواد مخدر به‌عنوان مأموریت اولویت‌دار پلیس در سراسر کشور، گفت: طی یک هفته گذشته، ۱۲ هزار و ۲۸۳ معناد متجاهر در معابر عمومی و نقاط آلوده شهرها، جمع‌آوری و دستگیر شدند. همچنین بیش از ۹ تن و ۵۰۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف ۶۵ باند منهدم و ۴۰۶ قاچاقچی مواد مخدر شناسایی و دستگیر شدند.

کشف ۹ تن

مواد مخدر در کشور

سفر ابدی طلبه فداکار با بخشش زندگی

افت بود که به همین دلیل دوباره دستگاه‌های پزشکی را به همسرم وصل کردند. مدتی بعد او در آی سی یو بستری شد، اما یکی دو ساعت بعد تب کرد و فشارش پایین آمد. پزشکان دوباره بالای سرش رفتند و از همسرم آزمایش گرفتند.

در نهایت به ما اعلام کردند همسرم دچار مرگ مغزی شده و چند پزشک دیگر نیز این موضوع را تایید کردند. آنها گفتند ما کمتر از ۲۴ ساعت فرصت داریم تا یک تصمیم خوب در این باره بگیریم. بچه‌های من کم سن هستند و به همین دلیل وقتی متوجه وضعیت پدرشان شدند، برایش بی‌قراری کردند. گفتیم دل‌مان را نزد فرزندان امام حسین (ع) و حضرت زینب(س) قرار دهیم که عزیزان خود را از دست دادند. ما شبیه این بزرگواران نیستیم و هرگز هم شبیه نخواهیم شد. پس از صحبت فرزندانم نیز دیگر راضی به زجر کشیدن پدرشان نبودند و قرار شد

اعضای بدن همسر را اهدا کنیم. در زمان حیات همسرم در طب اسلامی مشغول به کار بود و وقتی بیمارانش متوجه موضوع شدند تماس می‌گرفتند. او دستگیر مردم بود و بر همین اساس ما هم تصمیم گرفتیم این کار خیر را انجام دهیم.» با اعلام رضایت خانواده، برگه‌های رضایت‌نامه برای اهدای عضو توسط خانواده امضا شد و بیکر این روحانی برای اهدای عضو به بیمارستان امام خمینی(ره) منتقل شد؛ «پس از انجام اقدامات درمانی به ما اعلام شد که چون شوهرم بالای ۴۰ سال دارد، قلب و ریه‌اش قابل اهدا نیست، اما سایر اعضا مانند تاندون، استخوان، کلیه، کبد و... قابلیت اهدا دارد. شوهرم به اتاق عمل منتقل و روند اهدای عضو انجام شد و سپس مراسم خاکسپاری را برگزار کردیم. درست است که عزیزمان را از دست دادیم ولی خودش بانی خیر شد. او مردم دوست بود و نه تنها بیش از مرگ هوای مردم را داشت، پس از مرگ نیز با پیکرش توانست برای مردم و آخرت کار مثبت انجام دهد.»

حوادث

INCIDENT

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ ۴ شماره ۷۰۴۳

🕒 کوتاه‌از حوادث

۳ کشته در تصادف خودرو با درخت

تخلفی از سرعت مطمئنه در رانندگی سبب برخورد یک دستگاه سواری پژو پارس با یک اصله درخت در رشت و کشته‌شدن سه نفر شد.
سرهنگ فتح‌الله نصیریان، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی گیلان در این باره به ایسنا گفت: برابر خبر واصله از مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، صبح سه‌شنبه یک دستگاه سواری پژو پارس که در مسیر شمال به جنوب بلوار شهید انصاری در حرکت بوده، روبه‌روی فرمانداری (پارک ملت) از مسیر خود منحرف و با یک اصله درخت برخورد کرد. راننده و دو نفر از سرنشینان آن مصدوم و در بیمارستان فوت کردند.
کارشناسان پلیس راهنمایی و رانندگی علت تامه تصادف را نبود توانایی در کنترل وسیله نقلیه ناشی از تخلفی از سرعت مطمئنه اعلام کردند.

آزادی گروگان ۵ ساله

یک کودک ۵ ساله فهرجی با تلاش نیروی انتظامی فهرج و همکاری سران طوایف از اسارتگاه آدم‌ربایان نجات یافت.
سرهنگ عباس احمدپور، فرمانده انتظامی شهرستان فهرج در این باره به مهر گفت: در پی دریافت گزارشی مبنی بر وقوع یک مورد آدم‌ربایی، مأموران پلیس آگاهی فهرج با انجام اقدامات اطلاعاتی دریافتند که کودک ربوده‌شده به یکی از استان‌های همجوار منتقل شده است. با شناسایی هویت گروگانگیران و با همکاری سران طوایف، زمینه آزادی این کودک پس از گذشت هفت روز فراهم شد. هم‌اکنون تحقیقات تخصصی برای مشخص شدن انگیزه این اقدام مجرمانه و شناسایی و دستگیری عاملان گروگانگیری در دستور کار پلیس قرار دارد.

توهم شیشه باعث جنایت شد

رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران از قتل یک مرد ۴۰ساله در شهریار خبر داد و گفت: قاتل که تحت تأثیر مصرف مواد مخدر، دوست صمیمی خود را با سلاح سرد به قتل رسانده بود، دستگیر شد.
سرهنگ علی خدابخشی، رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران به سایت پلیس گفت: هفته‌گذشته جسد مردی ۴۰ ساله در محله «امیریه» شهریار، در حالی کشف شد که هدف اصابت ضربه‌های چاقو قرار گرفته بود. هم‌زمان با شناسایی خانواده مقتول تحقیقات برای شناسایی و دستگیری قاتل مرد جوان آغاز شد. در ادامه جست‌وجوها مأموران رد یکی از دوستان صمیمی مقتول که معتاد به شیشه بود، را در این جنایت به دست آوردند. وی افزود: متهم تحت تعقیب پلیس قرار گرفت تا این‌که رد او سرانجام در یکی از کمپ‌های بازپروری در شهرستان شهریار به دست آمد و با اعزام ماموران به محل، او بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات پلیسی اعتراف کرده که به شیشه معتاد بوده و بر اثر توهم ناشی از مصرف این مواد با دوستش درگیر شده که با ضربه‌های چاقو او را به قتل رسانده و بعد از این جنایت گریخته و به کمپ رفته تا کسی به او شک نکند. رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران ادامه داد: این حادثه بار دیگر زنگ خطر تأثیرات مخرب اعتیاد را به‌صدا درآورده است، متهم در بازداشت به‌سری‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

گروگانگیری مسلحانه در خیابان

افرادی که مردی جوان را مسلحانه در رباط‌کریم ربوده بودند بازداشت و گروگان نجات یافت.
سرهنگ تیمور کلاتری، فرمانده انتظامی شهرستان رباط‌کریم به ایرنا گفت: در پی دریافت گزارشی مبنی بر ربوده شدن جوانی ۲۲ ساله توسط دو نفر با سلاح کمری در شهرستان رباط‌کریم، تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. با اخذ اظهارات یکی از اقوام فرد ربوده شده و بررسی موارد اعلامی، مخفیگاه آدم‌ربایان در یکی از محله‌های شهرستان رباط‌کریم مورد شناسایی قرار گرفت.
وی افزود: با هماهنگی مرجع قضایی مأموران در عملیاتی ضربتی به محل اختفای متهمان اعزام، هر دو نفر را دستگیر و یک قبضه سلاح کمری به همراه تعدادی فشنگ و ۳۰ گرم مواد مخدر کشف کردند. متهمان پس از حضور مأموران در محل دستگیر شدند. آنها انگیزه خود را اختلافات شخصی با ربوده شده عنوان کردند. گروگان هم آزاد شد.